



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. احکام؛ پوشش و آرایش
۲. احکام؛ نماز؛ نمازهای واجب یومیه

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: صادقی

تاریخ: ۱۳۹۹/۶/۲۹

آیا بستن موی سر برای مردان اشکالی دارد؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۹/۷/۴

بستن یا بافتن موی سر برای مردان اشکالی ندارد؛ به دلیل اصل اباحه و به دلیل اینکه منع ثابتی از آن در شرع نرسیده است، مگر در حالت نماز؛ با توجه به اینکه روایات فراوانی از پیامبر، اهل بیت او و اصحابش در نهی از نماز گزاردن با موی بسته یا بافته رسیده است؛ مانند روایت ابن عباس که در آن آمده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أُمِرْتُ أَنْ أَسْجُدَ عَلَى سَبْعٍ، وَلَا أَكْفَيْتُ الشَّعْرَ وَلَا الثِّيَابَ»^۱؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به من امر شده است که (در نماز) بر روی هفت جا سجده کنم و موی سر یا لباس خود را جمع نکنم» و روایت ابورافع که در آن آمده است: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ وَرَأْسُهُ مَعْقُوصٌ»^۲؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از اینکه مرد به نماز بایستد در حالی که موی سرش بافته و بسته است» و روایت دیگر او که در آن آمده است: «مَرَّ بِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا سَاجِدٌ وَقَدْ عَقَّدْتُ -أَوْ عَقَصْتُ- شَعْرِي فَأَطْلَقَهُ»^۳؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر من گذشت در حالی که در سجده بودم و موی سرم را بسته یا بافته بودم، پس آن را گشود»

۱. مسند أبي حنيفة رواية الحصكفي، كتاب الصلاة، حديث ۳۰؛ أحاديث إسماعيل بن جعفر، ص ۳۱۵؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۱۷۹؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۲، ص ۱۹۴؛ مسند أحمد، ج ۴، ص ۱۴۹؛ سنن الدارمي، ج ۲، ص ۸۳۲؛ صحيح البخاري، ج ۱، ص ۱۶۳؛ صحيح مسلم، ج ۱، ص ۳۵۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۸۶؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۲۳۵؛ سنن النسائي، ج ۲، ص ۲۱۵؛ مستخرج أبي عوانة، ج ۱، ص ۴۰۹؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۲، ص ۱۴۸

۲. المدونة لمالك بن أنس، ج ۱، ص ۱۸۷؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۱۸۳؛ مسند أحمد، ج ۳۹، ص ۲۷۹؛ المعجم الكبير للطبراني، ج ۱، ص ۳۳۱

۳. مسند أبي داود الطيالسي، ج ۲، ص ۲۷۷؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۲، ص ۱۹۴؛ سنن الدارمي، ج ۲، ص ۸۶۸؛ مسند الروياني، ج ۱، ص ۴۵۷؛ المعجم الكبير للطبراني، ج ۱، ص ۳۳۱

و روایت دیگر او که در آن آمده است: «أَنَّه مَرَّ بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَهُوَ يُصَلِّي، وَقَدْ عَقَصَ صَفَرَتَهُ فِي قَفَاهُ، فَحَلَّهَا أَبُو رَافِعٍ، فَالْتَفَتَ حَسَنٌ إِلَيْهِ مُغَضَّبًا فَقَالَ أَبُو رَافِعٍ: أَقْبِلْ عَلَى صَلَاتِكَ وَلَا تَغْضَبْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: ذَلِكَ كِفْلُ الشَّيْطَانِ -يَعْنِي مَعَزَرَ صَفَرِهِ»؛^۱ «او (یعنی ابو رافع) بر حسن بن علی گذشت که به نماز ایستاده بود در حالی که مویش را در پشت سرش بافته و بسته بود، پس ابو رافع آن را باز کرد، پس حسن با خشم به او نگریست، پس ابو رافع گفت: حواست به نمازت باشد و خشمگین نشو؛ چرا که من شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: آن نشیمنگاه شیطان است، یعنی جایی که موی سر بسته شده است»^۲ و مانند روایت عبد الله بن عباس که در آن آمده است: «أَنَّه مَرَّ بِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ أَبِي رَبِيعَةَ وَهُوَ يُصَلِّي مَضْفُورَ الرَّأْسِ، مَعْفُودًا مِنْ وَرَائِهِ، فَوَقَفَ عَلَيْهِ، فَلَمْ يَبْرَحْ يَحُلُّ عُقْدَ رَأْسِهِ، فَأَقَرَّ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَارِثِ حَتَّى فَرَعَ مِنْ حَلِّهِ، ثُمَّ جَلَسَ، فَلَمَّا فَرَغَ ابْنُ الْحَارِثِ مِنَ الصَّلَاةِ، أَتَاهُ، فَقَالَ: مَا لَكَ وَرَأْسِي؟ قَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَثَلُ الَّذِي يُصَلِّي وَرَأْسُهُ مَعْفُودٌ مِنْ وَرَائِهِ، كَمَثَلِ الَّذِي يُصَلِّي مَكْتُوفًا»؛^۳ «او بر عبد الله بن حارث بن ابی ربیعۀ گذشت در حالی که او به نماز ایستاده بود و موی سرش را بافته و در پشت سرش بسته بود، پس ابن عباس نزد او ایستاد و گره های مویش را یکی یکی باز کرد و عبد الله بن حارث هم تکان نخورد تا او از باز کردن فارغ شد و نشست، پس چون ابن حارث از نماز فارغ شد گفت: با سر من چه کار داری؟! ابن عباس گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: مثل مردی که با موی بسته در پشت سرش به نماز می ایستد مثل کسی است که با دست بسته در پشت سرش به نماز می ایستد» و مانند روایت عبد الله بن مسعود که در آن آمده است: «أَنَّه مَرَّ عَلَى رَجُلٍ سَاجِدٍ وَرَأْسُهُ مَعْفُودٌ، فَحَلَّهٗ، فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ: إِذَا صَلَّيْتُ فَلَا تَقْصُصْ شَعْرَكَ، فَإِنَّ شَعْرَكَ يَسْجُدُ مَعَكَ، وَلَكَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ أَجْرٌ، قَالَ: إِنَّمَا عَقَصْتُهُ لِكَيْ لَا يَتَتَرَّبَ، قَالَ: أَنْ يَتَتَرَّبَ خَيْرٌ لَكَ»؛^۴ «او بر مردی گذشت که در سجده بود در حالی که مویش را بافته و بسته بود، پس آن را گشود،

۱. مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۱۸۳؛ الطبقات الكبرى لابن سعد (متمم الصحابة، الطبقة الخامسة)، ج ۱، ص ۳۰۹؛ مسند أحمد، ج ۳۹، ص ۳۰۴؛ السنن المأثورة للشافعي رواية المزني، ص ۱۱۵؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۱۷۴؛ سنن الترمذي، ج ۲، ص ۲۲۳؛ مسند الروياني، ج ۱، ص ۴۶۶؛ صحيح ابن خزيمة، ج ۲، ص ۵۸؛ المستدرک علی الصحيحین للحاکم، ج ۱، ص ۳۹۳؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۲، ص ۱۵۶

۲. اهل حدیث پنداشته اند که مراد از حسن بن علی در این روایت، حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام است، در حالی که مراد از او حسن بن علی بن ابی رافع است که از جد خود حدیث شنیده است و با این وصف، ابو رافع نوهی خود را پند داده است، نه حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام را که از او با سنت جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آشناتر بوده است، هر چند ابو رافع قدیم الموت بوده و ممکن است که حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام را در وقت کودکی او دیده باشد.

۳. مسند أحمد، ج ۵، ص ۷۷؛ سنن الدارمی، ج ۲، ص ۸۶۹؛ صحيح مسلم، ج ۱، ص ۳۵۵؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۱۷۴؛ سنن النسائي، ج ۲، ص ۲۱۵؛ صحيح ابن خزيمة، ج ۲، ص ۵۷؛ مستخرج أبي عوانة، ج ۱، ص ۴۰۹؛ صحيح ابن حبان، ج ۶، ص ۵۷؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۲، ص ۱۵۶

۴. مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۱۸۴؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۲، ص ۱۹۴؛ الأوسط في السنن والإجماع والاختلاف لابن المنذر، ج ۳، ص ۱۸۳؛ المعجم الكبير للطبراني، ج ۹، ص ۲۶۷

پس چون مرد از نماز فارغ شد، عبد الله به او گفت: هنگامی که نماز می‌گزاری مویت را نباف و نبند؛ چراکه مویت هم با تو سجده می‌کند و برای تو به ازاء هر تار مویی اجری است، مرد گفت: آن را برای این بستم که خاک آلود نشود، عبد الله گفت: اگر خاک آلود شود برای تو بهتر است» و مانند روایت عمر که در آن آمده است: «أَنَّ مَرَّ عَلَى ابْنِ لَهُ وَهُوَ يُصَلِّي وَرَأْسُهُ مَغْقُوصٌ فَجَبَدَهُ حَتَّى صَرَغَهُ»؛ «او بر پسرش گذشت که به نماز ایستاده بود در حالی که مویش را بافته و بسته بود، پس مویش را کشید تا اینکه او را بر زمین انداخت» و مانند روایت حذیفه که در آن آمده است: «أَنَّ مَرَّ بِابْنِهِ وَهُوَ يُصَلِّي، وَلَهُ صَفْرَتَانِ قَدْ عَقَصَهُمَا، فَدَعَا بِشَفْرَةٍ فَقَطَعَ إِحْدَاهُمَا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ شَيْئًا فَاصَّنَ الْآخَرَى كَذَا، وَإِنْ شِئْتَ فَدَعُهَا»؛ «او بر پسرش گذشت که به نماز ایستاده بود در حالی که دو دسته مو داشت و آن دو را بافته بود، پس حذیفه چاقویی طلبید و یکی از آن دو را برید، سپس گفت: اگر می‌خواهی با دیگری نیز همین کار را کن و اگر می‌خواهی بگذار همین طور باشد» و روایات دیگری با این مضمون که از عثمان، جابر، ابن عمر، أبو موسی، أبو هريرة و أم سلمة رسیده است. همچنین، از علي عليه السلام روایت شده است: «قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا عَلِيُّ، إِنِّي أَحِبُّ لَكَ مَا أَحَبُّ لِنَفْسِي، وَأَكْرَهُ لَكَ مَا أَكْرَهُ لِنَفْسِي، لَا تَصَلِّ وَأَنْتَ عَاقِصُ شَعْرِكَ، فَإِنَّهُ كَفَلُ الشَّيْطَانِ»؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای علی، من هر چه برای خودم می‌پسندم برای تو هم می‌پسندم و هر چه برای خودم نمی‌پسندم برای تو هم نمی‌پسندم، در حالی که به نماز نایست که مویت را بافته و بسته‌ای؛ چراکه آن نشیمنگاه شیطان است» و در روایت دیگری از او آمده است: «يُكْرَهُ أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ وَرَأْسُهُ مَغْقُوصٌ»؛ «کراهت دارد که مرد به نماز بایستد در حالی که مویش بافته و بسته است» و از جعفر بن محمد علیهما السلام روایت شده است: «فِي رَجُلٍ صَلَّى فَرِيضَةً وَهُوَ مَغْقُوصُ الشَّعْرِ، قَالَ: يُعِيدُ صَلَاتَهُ»؛ «درباره‌ی مردی که نماز فریضه را به جای آورده در حالی که مویش بافته و بسته بوده است، فرمود: نمازش را اعاده می‌کند» و این قول برخی از شیعه مانند أبو جعفر طوسی است، در حالی که اکثر شیعه و سایر مسلمانان اعاده‌ی نماز را واجب نمی‌دانند و حق با آنان است؛ چراکه این روایت، خبر واحد و ضعیفی است و سایر روایات نیز چیزی بیش از کراهت نماز با موی بافته یا بسته را اثبات نمی‌کنند و انجام کار مکروه در نماز آن را باطل نمی‌سازد تا اعاده‌اش واجب باشد.

۱. مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۱۸۳

۲. مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۱۸۴؛ الأوسط في السنن والإجماع والاختلاف لابن المنذر، ج ۳، ص ۱۸۳

۳. مسند أبي داود الطيالسي، ج ۱، ص ۱۵۰؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۱۴۴؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۴۰۲؛ المنتخب من مسند عبد بن حميد، ص ۵۲؛ شرح مشكل الآثار للطحاوي، ج ۱۲، ص ۳۹۲؛ سنن الدارقطني، ج ۱، ص ۲۱۳؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۳، ص ۳۰۱

۴. مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۱۸۴؛ الأوسط في السنن والإجماع والاختلاف لابن المنذر، ج ۳، ص ۱۸۳

۵. الكافي للكليني، ج ۳، ص ۴۰۹؛ تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۲، ص ۲۳۳



آری، اگر بافتن یا بستن موی سر برای مرد عملی غیر متعارف باشد، به نحوی که او را در میان مردم انگشت‌نما سازد، جایز نیست؛ چراکه به منزله‌ی **لباس شهرت** است و با مرؤت منافات دارد، هر چند در این صورت نیز نمی‌توان آن را مبطل نماز دانست؛ چراکه هیچ یک از شروط نماز را نقض نمی‌کند و مانع هیچ یک از اعمال آن نمی‌شود.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلسین با حکم‌های و دستورها



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.